فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال سیزدهم، شماره سی و چهارم، تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸
پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵
صفحات: ۱۰۱-۹۳
10.52547/mmi.2203.14010504

نقش و کارکرد قلعه‌اردشیر در سازمان فضایی شهر کرمان با استناد بر شواهد معماری و منابع تاریخی*

ساره طهماسبی‌زاده** مریم محمدی*** سعید امیرحاجلو**** رضا ریاحیان*****

چکیده

قلعه‌اردشیر یکی از شاخص‌ترین بناهای برجای‌مانده در شرق شهر کرمان است و به نظر می‌رسد شکل‌گیری، گسترش و متروک شدن آن با توسعه و امنیت شهر و منطقه کرمان پیوند داشته است. دربارۀ چیستی، گاهنگاری و کارکردهای آن در ارتباط با سازمان فضایی شهر کرمان تاکنون فرضیات و نظرات مختلف و گاه متناقضی مطرح شده است. هدف از پژوهش حاضر، تبیین کارکردهای قلعه‌اردشیر و بررسی جایگاه آن در سازمان فضایی شهر کرمان در ادوار مختلف، به‌ویژه دوران اسلامی است. پژوهش از نظر ماهیت و محتوا، تاریخی ـ تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به شیوه‌های میدانی و اسنادی صورت گرفته است. بر این اساس، با تلفیق داده‌های حاصل از بررسی‌های میدانی و تحلیل محتوای منابع تاریخی تلاش شده کیفیت و میزان تأثیرگذاری قلعه‌اردشیر بر ساختار کالبدی شهر کرمان تبیین شود. مطالعه ساختار معماری، مواد فرهنگی و منابع تاریخی نشان می‌دهد این قلعه با توجه به شرایط سیاسی و نظامی ادوار تاریخی و اسلامی طراحی و ساخته شده و از دوران تاریخی تا قرن هشتم هـ.ق. تقریباً به‌طور پیوسته مورد استفاده بوده و در تحولات و وقایع سیاسی و اجتماعی منطقه نقش داشته است. بر پایه تحلیل محتوای متون تاریخی و روایت منابع مکتوب از رویدادهای مرتبط با قلعه‌اردشیر، به نظر می‌رسد این قلعه در کنار نقش نظامی، کارکردهای دیگری داشته است همچون: جایگاهی برای حکام، مأمنی برای شورشیان، مکانی برای نگهداری خزانه و محلی برای زندانیان سیاسی. این قلعه اگرچه از نظر کالبدی و فیزیکی، خارج از بافت تاریخی شهر کرمان و در حاشیه شرقی این شهر واقع است، اما از نظر کارکردی، عنصری تأثیرگذار و وابسته به سازمان فضایی شهر کرمان بوده است.

کلیدواژگان: قلعه‌اردشیر، باستان‌شناسی کرمان، معماری اسلامی، قلاع اسلامی، سازمان فضایی.

---

* این مقاله، برگرفته از رساله دکتری ساره طهماسبی‌زاده: "مطالعه باستان‌شناختی قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر و نقش آن‌ها در حیات تاریخی شهر کرمان" به راهنمایی مریم محمدی در دانشگاه بوعلی همدان است.

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان، ایران.
*** استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان، ایران (نویسنده مسئول). Mohammadi7586@gmail.com
**** استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران.
***** دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

هریک از شهرها و سکونت‌گاه‌های تاریخی بشر، گنجینهٔ فرهنگی ارزشمندی است که نشان‌دهندهٔ روند حیات اجتماعی جاری در آن است. نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی عناصر و بخش‌های مهم شهر و رابطه آن‌ها با یکدیگر تحت‌تأثیر عوامل متعددی مانند عوامل طبیعی، اقتصادی - اجتماعی، اداری- نظامی و همچنین خصوصیات و نیازهای فضایی و رابطه آن‌ها با سایر فعالیت‌ها بوده است. ساخت هر شهر از یک‌سو نمایانگر هماهنگی فضاهای کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۳). پس توجه به ساخت و سازمان فضاهای شهری کهن، بدان علت است که بافت شهری را می‌توان بازتاب ساختار اجتماعی در جامعه شهری دانست. درواقع، از طریق بررسی کالبد شهر، فهم و تحلیل مناسبات شهرنشینی و اوضاع و احوال حاکم بر شهرها در گذر زمان تسهیل می‌شود. به‌طور کلی فضا و کالبد شهر و نظام اجتماعی حاکم بر آن در تعامل مستقیم با یکدیگر قرار دارند. همان‌گونه که ساختار کالبدی شهر و نحوه چیدمان عناصر شهری، بر نظام اجتماعی تأثیرهایی خواهد داشت، مناسبات اجتماعی نیز بر بافت شهری تأثیرات ژرفی بر جای می‌نهد (یوسفی‌فر و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۴). براساس نگرش سیستمی، شهر به‌عنوان یک کل از قرارگیری اجزای در ارتباط با یکدیگر تشکیل شده و هویت و هدف واحدی دارد. در این سیستم، رفتار تمامی اجزا بر یکدیگر و بر سیستم کلی تأثیرگذار است و اجزای این سیستم را نمی‌توان جدا از کلیتِ واحد مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد؛ شناخت شأن و نقش یک عنصر شهری در کلیت شهر، منوط به تشخیص چگونگی رابطه آن با سازمان فضایی شهر است (محمدزاده و منصوری، ۱۳۹۷: ۱۵). به نظر می‌رسد قلعه‌اردشیر نیز در حاشیهٔ شرقی شهر کرمان، عنصری از عناصر سازمان فضایی این شهر است که در کنار سایر اجزای شهر، مجموعه‌ای از عناصر به هم پیوسته را تشکیل می‌داده و از دوران تاریخی تا اسلامی توسعه یافته و کاربردهای مختلفی داشته است. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، تبیین کارکردهای قلعه‌اردشیر و بررسی جایگاه قلعه‌اردشیر در سازمان فضایی شهر کرمان بر پایهٔ منابع مکتوب و با تأکید بر دوران اسلامی است.

پیشینه پژوهش

تا قبل از مطالعات میدانی باستان‌شناسیِ "ریاحیان" (۱۳۹۸ الف) در قلعه‌اردشیر، گزارشی از فعالیت‌های بررسی و کاوش باستان‌شناسی در این مجموعه منتشر نشده است. همچنین وی در مقاله "نویافته‌های قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر"، به توصیف قلعه‌اردشیر و یافته‌های آن ازجمله قطعات سفال و کاشی پرداخته و براساس گاه‌نگاری نسبی و مقایسه‌ای قطعات سفال، بنای اولیهٔ این قلعه را از آثار دوران ساسانی دانسته است (ریاحیان، ۱۳۹۸ ب). اما این مجموعه، پیش‌تر در مقالهٔ "دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام؛ با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان" مورد توجه قرار گرفته بود و منصوری در آن مقاله، ساخت قلعه‌های دختر و اردشیر را در کنار هم، برای جدا کردن سپاهیان از مرکز مذهبی (قلعه‌دختر) و درواقع حفظ حرمت آن دانسته است (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). همچنین "مینایی و تجلی" در مقاله‌ای با موضوع مطالعه فضای شهری کرمان، بناهای تاریخی، فضاهای سبز و فضاهای عمومی متروکه شهر کرمان را بررسی کرده و بدون استناد به منبعی موثق، قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر را هسته اولیه شکل‌گیری شهر کرمان دانسته‌اند (Minaei & Tajjali, 2009: 151). "پوراحمد" نیز در کتاب "جغرافیا و ساخت شهر کرمان"، قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر را قدیمی‌ترین هسته‌های سکونت در شهر کرمان و به‌عنوان مقر نظامی سیاسی دانسته (پوراحمد، ۱۳۷۰: ۲۵) و بانی قلعه‌اردشیر را اردشیر ساسانی بیان کرده است (همان: ۶۱). "زنگی‌آبادی" نیز در کتاب "جغرافیا و برنامه‌ریزی شهر کرمان" همچون پوراحمد، قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر را از آثار قبل از اسلام و هسته اولیه شهر کرمان به شمار آورده و جای قلعه‌دختر را داخل بافت قدیم و قلعه‌اردشیر را در حاشیه بافت قدیم دانسته است (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۰: ۴۰). "کمانداری" در مقالهٔ "بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از زمان ساسانیان تا قاجاریه"، شکل‌گیری شهر کرمان را به دوره ساسانی و بر ارتفاعات قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر نسبت داده (کمانداری، ۱۴۰۰: ۱۲۱) و قلعه‌اردشیر را ارگ باستانی کرمان دانسته است (همان: ۱۲۹). ارزیابی ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش دربارهٔ قلعه‌اردشیر نشان می‌دهد تاکنون به نقش این قلعه در سازمان فضایی شهر کرمان توجهی نشده است. این در حالی است که به‌منظور حفاظت از چنین آثاری که نمایانگر هویت شهر است، اتخاذ رویکردی کل‌نگر و مطالعه آن در بافتی گسترده‌تر و مقیاسی کلان ضروری است. با توجه به این‌که پژوهش‌های پیشین در رابطه با قلعه‌اردشیر صرفاً توصیفی بوده، اهمیت پژوهش در این است که با رویکردی تحلیلی به مطالعه نقش و جایگاه این قلعه در سازمان فضایی شهر کرمان پرداخته است.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به دو شیوه: میدانی و اسنادی صورت گرفته و پژوهش از نظر ماهیت و محتوا، تاریخی ـ تحلیلی است. بر این اساس، تلاش شده روایت‌ها و توصیف‌های منابع نوشتاری اعم از کتب تاریخ محلی و تاریخ عمومی، جغرافیای تاریخی و سفرنامه‌ها درباره کرمان و قلعه‌اردشیر مطالعه شود و تحلیل این روایت‌ها و توصیفات، به شیوهٔ "تحلیل محتوا" انجام شود. در این راستا، اطلاعاتِ حاصل از بررسی میدانی باستان‌شناختی در قلعه اردشیر و مستندسازی مواد فرهنگی نیز به‌منظور تکمیل اطلاعات و تحلیل داده‌ها مورد توجه قرار گرفته و از ترکیب دو گروه: اطلاعات میدانی باستان‌شناختی و اسناد تاریخی، استدلال‌هایی درباره کارکردهای قلعه‌اردشیر و ارتباط آن با عناصر شهری کرمان انجام گرفته است.

مبانی نظری

فضا واژه‌ای است که از آن در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف ازقبیل: فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی به‌طور وسیع استفاده می‌شود. لیکن کاربرد فراوانِ واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه‌های یادشده نیست (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸). مفهوم فضا در معماری، دارای چندگانگی‌ها و پیچیدگی‌هایی است؛ گاه مقصود از آن، مکان و اجزا و آحاد بناست و گاه به مجموعه‌ای از اجزای معماری گفته می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارد و در مواردی نیز کیفیت معماری و تأثیر آن است (حجت، ۱۳۷۷: ۱۹-۱۸). افزون بر این، فضا جایی است که روابط متقابل میان عوامل و پدیده‌ها در آن‌جا صورت می‌گیرد؛ به اعتبار دیگر هر رابطهٔ فضایی دارای یک سازمان فضایی است و سازمان فضایی هر منطقه نشان‌دهندهٔ الگوی ارتباطات فضایی آن منطقه است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۴۶). به بیان دیگر، سازمان فضاییِ سکونت‌گاه‌های انسانی اغلب منعکس‌کنندهٔ سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و همچنین روابط اجتماعی بین سکونت‌گاه‌هاست (Shahack-Gross et al, 2004: 1395). بنابراین، شناخت فضا و سازمان فضایی در بناها و بافت‌های تاریخی، نقش مهمی در شناخت جوامع گذشته دارد و درکِ پیوند انسان، معماری شهر را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، سازمان فضایی شهر، نظم میان عناصری است که شهر را به‌عنوان یک سیستم معرفی می‌کند. این سیستم مجموعه‌ای از اجزای نیمه‌مستقل را تشکیل می‌دهد که عناصر آن در نظمی هدفمند، مجموعه را به کل وحدت‌داری تبدیل می‌کند (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۱). مبانی تفکر سیستمی، مفهوم کلیت، مفهوم ارتباط بین اجزای سیستم و ساخت یا نظام سیستم است. در بینش سیستمی هر عنصر براساس نقشی که در پدید آوردن یک کلیت و عملکرد کل دارد، تبیین و مشخص می‌شود (محمدزاده و منصوری، ۱۳۹۷: ۱۶). مقصود از نقش در مفهوم سازمان فضایی شهر نیز مأموریت و وظیفه‌ای است که هر جزء از سیستم برای تحقق هدف کلی مجموعه بر عهده گرفته است (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۱).

در شناخت روند تحولات سازمان فضایی یک منطقه، برخی اسناد و منابع مکتوب تاریخی، سودمند است. به کمک منابع مکتوب می‌توان به اطلاعاتی دربارهٔ جنبه‌های غیرمادی فرهنگ جوامع گذشته دست یافت که بازسازی آن‌ها به شیوه‌های دیگر دشوار است (دارک، ۱۳۷۹: ۶۹). نوشته‌های جغرافیایی و تاریخی، سفرنامه‌ها و منابعی که به‌طور غیرمستقیم اطلاعاتی مستند از ویژگی‌های سازمان فضایی یک منطقه در دوران گذشته در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، ازجملهٔ این منابع مکتوب است. مطالعهٔ این منابع در کنار بررسی میدانی فضاها، به‌عنوان مکمل و در پاره‌ای از موارد به‌عنوان شاخص کنترل متغیرها عمل می‌کند و در پاسخ به پرسش‌ها و حصول نتیجه کمک شایانی خواهد کرد (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). بر این اساس، در مطالعه حاضر نیز با تلفیق مستندات نوشتاریِ تاریخی و شواهد باستان‌شناختی، الگوی ارتباطات فضایی قلعه‌اردشیر در مقیاس خرد و کلان با تأکید بر وجه کاربردی معماری این مجموعه بررسی شده است. به بیان دیگر، با توجه به پیوستگی فعالیت‌های انسانی و کاربری بناها، قلعه‌اردشیر به‌عنوان بخشی از بافت و مجموعهٔ شهری کرمان و در پیوند با سایر عناصر شهری مطالعه شده است.

مطالعات و بررسی‌ها

بررسی باستان‌شناسی قلعه‌اردشیر

قلعه‌اردشیر در انتهای شرقی محدودهٔ بافت تاریخی شهر کرمان، در فاصلهٔ ۵۰۰ متری از قلعه‌دختر، میان چهارراه بهار و روشندلان بر بلندای کوه یا صخره‌ای طبیعی قرار گرفته است. طول جغرافیایی آن "۱۵ '۰۶ °۵۷ و عرض جغرافیایی آن "۱۴ '۱۷ °۳۰ است. بلندترین بخش از کوهی که قلعه‌اردشیر بر فراز آن شکل گرفته، ۱۸۹۰ متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارد و خیابان‌ها و منازل شهری در پای این کوه، در ارتفاع متوسط ۱۷۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارند. بنابراین بلندترین نقطهٔ کوه قلعه‌اردشیر با پست‌ترین نقطه آن، ۱۲۰ متر اختلاف ارتفاع دارد (تصویر ۱). ساختارهای معماری قلعه‌اردشیر در ترازهای ارتفاعی مختلفی روی این کوه ایجاد شده‌اند که از ارتفاع ۱۸۰۰ متر تا ۱۸۸۸ متر از سطح آب‌های آزاد را در بر می‌گیرد.

شناخت ساختاری بناهای موجود در قلعه‌اردشیر و تحلیل فضایی آن‌ها به دلیل حجم بالای تخریب، تقریباً ناممکن است. در برخی از فضاها، آثار معماری به تلی از خاک بدل شده‌اند و بناهایی که پابرجا مانده‌اند، همگی با رسوبات پر شده‌اند. بنابراین شناخت دقیق این مجموعه، نیازمند پیگردی و آواربرداری و سایر مطالعات گستردهٔ باستان‌شناسی است. قلعه شامل بخش‌های مختلفی مانند چهار ردیف حصار، خندق، دروازه ورودی، حاکم‌نشین و تعدادی اتاق بوده است. در پیرامون این قلعه بقایای یک خندق قدیمی نیز قرار داشته که با گذشت زمان و انباشت رسوبات و ماسه بادی پر شده است.

همواره مستحکم بودن دیوارهای قلعه بسیار اهمیت داشته است، بدین منظور با افزایش قطر و ارتفاع دیوارها، استحکام حصار قلعه‌ها را به‌گونه‌ای تأمین می‌نمودند که برای امنیت داشتن، از استحکام بیشتری برخوردار باشد. در قلعه‌اردشیر برای محافظت از قلعه، چهار حصار ایجاد شده که امروزه سه ردیف از آن‌ها سالم باقی مانده است (تصویر۲). از حصار اول دیواره کمی باقی مانده است (تصویر۳). در بین حصار اول و دوم تعدادی فضای مسکونی ساخته شده که باعث از بین رفتن بخش زیادی از حصار اول شده است. بیشترین آثار باقی‌مانده از حصارها در سمت جنوب غربی تا جنوب شرقی قلعه قرار دارد که در برخی بخش‌ها، ارتفاع حصار به‌ویژه در جبهه جنوب شرقی بیش از ۲۰ متر است. حدفاصل حصارهای این قلعه، برج‌هایی با پلان گرد و چهارگوش برای دیده‌بانی و محافظت از قلعه تعبیه شده‌اند (تصویر۴). همچنین در میان حصارها تعدادی مزغل برای تیراندازی وجود دارد. به دلیل عوارض طبیعی، مسیر دسترسی به قلعه‌اردشیر از جبهه شمالی در سمت پایین قلعه بوده است و دروازه ورودی در حصار دوم قرار دارد (تصویر۵). سازندگان قلعه برای جلوگیری از حملات

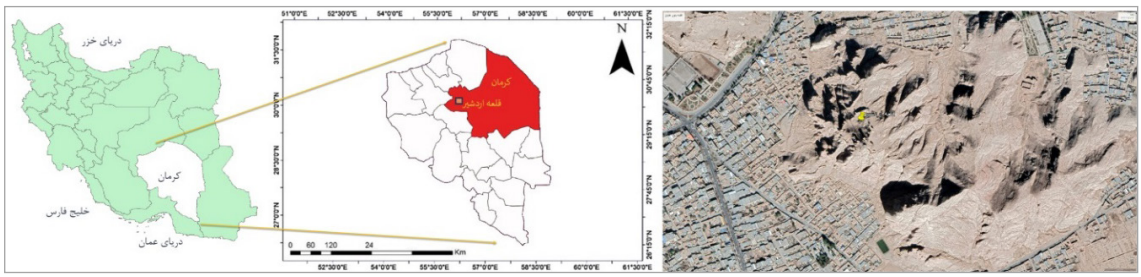

تصویر۱. موقعیت قلعه‌اردشیر در شهر، استان و کشور (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

تصویر۲. حصارهای باقی‌مانده از قلعه‌اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸ الف)

تصویر۳. آثار باقی‌مانده از حصار اول (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

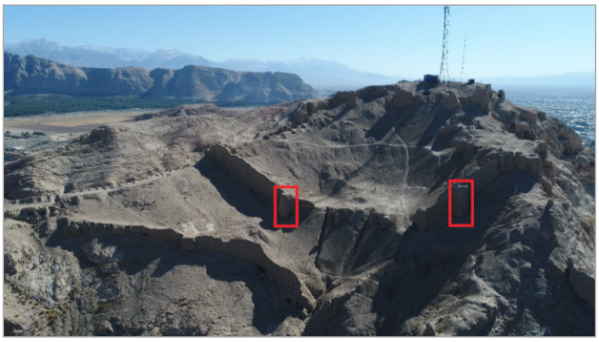

تصویر۴. برج‌های دیده‌بانی قلعه‌اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸ الف)

تصویر۵. دروازه ورودی حصار دوم قلعه‌اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸ الف)

مهاجمان و افزایش امنیت آن، مسیر کوچکی را برای ورودی قلعه طراحی کرده و برج و باروهایی در این مسیر ساخته بودند.

بخش حاکم‌نشین سمت جنوب و بالاترین قسمت قلعه قرار دارد (تصویر۶). موقعیت بی‌نظیر و جانمایی هوشمندانه این قسمت و تسلط کافی بر محدوده اطراف قلعه اهمیت بسیاری داشته است. بیشترین آثار قلعه در این قسمت وجود دارد که بخشی از آن به علت نصب دکل مخابرات آسیب دیده است. برج‌های دیده‌بانی در سمت جنوب غربی آن ساخته شده و مصالح همگی آن‌ها سنگ است. راه نفوذ مهاجمان به این بخش، با توجه به پرتگاه بسیار عمیق در پشت آن و حصاری بلند تا ارتفاع ۲۰ متر، عملاً مسدود بوده است (تصویر۷).

مصالح معماری قلعه‌اردشیر، چینه و خشت خام به همراه ملاط گل است. در بخش‌هایی ازجمله برج‌های دیده‌بانی جبهه جنوب غربی، دیوارهای مرکز قلعه، بخش حاکم‌نشین قلعه و حصارهای جنوب شرقی از سنگ در پی‌دیوارها استفاده کرده‌اند (تصاویر ۹-۸). خشت‌هایی با ابعاد متنوع در نقاط مختلف قلعه‌اردشیر به کار رفته است. اندازه کوچک‌ترین خشت‌های قلعه‌اردشیر کرمان ۵×۲۳×۲۳ سانتی‌متر و بزرگ‌ترین آن‌ها ۱۸×۵۴×۵۴ سانتی‌متر است که بیشتر در سمت شرق دروازه ورودی در حصار دوم قرار گرفته‌اند (تصویر۱۰). بر پایه بررسی‌های میدانی پیشین و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در قلعه‌اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸ الف) و بازدیدهای میدانی

تصویر۶. عکس هوایی بخش حاکم‌نشین قلعه‌اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸ الف)

تصویر۷. حصار مرتفع بخش شرقی حاکم‌نشین (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

تصویر۸. پایه سنگی دیوارهای مرکز قلعه‌اردشیر (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

تصویر۹. برج‌های دیده‌بانی جنوب غربی قلعه‌اردشیر (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

تصویر ۱۰. خشت‌های قلعه‌اردشیر به ابعاد ۱۸×۵۴×۵۴ و ۵×۲۳×۲۳ سانتی‌متر (نگارنده اول، ۱۴۰۰)

نگارندگان در سال ۱۴۰۰ از این مجموعه بنا، افزون‌بر خشت از آجر نیز در ساخت بناها استفاده شده است. لایه‌های متعدد خشت و چینه و ابعاد متفاوت خشت‌ها و آجرها، نشانگر بازسازی‌های قلعه در دوره‌های مختلف است.

در بررسی باستان‌شناختی قلعه‌اردشیر، یافته‌های منقولی از قبیل سفال، کاشی، قطعات گچ‌بری و شیشه نیز شناسایی و ثبت شده که شاخص‌ترین آن‌ها، سفال‌های ساسانی ـ اسلامی است (جدول ۱). قطعات سفال قلعه‌اردشیر شامل گونه‌های سادهٔ بدون لعاب، منقوش بدون لعاب و سفال لعاب‌دار است. نمونه‌های منقوش بدون لعاب با تکنیک‌های نقش‌کنده، فشاری، قالب‌زده، افزوده و استامپی تزیین شده‌اند. بیشترین فراوانی قطعات سفال لعاب‌دار قلعه‌اردشیر نیز شامل گونهٔ لعاب‌دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، سبز روشن، سبز تیره، آبی، قهوه‌ای و سفید است و برخی از آن‌ها با نقوش افزوده، کنده و قالبی تزیین شده‌اند. همچنین قطعات لعاب‌دار از گونهٔ گلابه‌ای یا پوشش گلی (زیرگونه‌های نقش تیره بر زمینهٔ روشن، نقش روشن بر زمینهٔ تیره، عسلی‌فام، ساری یا رنگارنگ)، قطعات سفال لعاب پاشیده، اسگرافیتو، زرین‌فام با خمیره بدل چینی، گونهٔ سفال لاجوردینه، سفال‌های نقاشی زیرلعاب (زیرگونه‌های فیروزه‌ای قلم مشکی، سلطان‌آبادی و چندرنگ بر زمینه سفید) و سلادن‌های وارداتی نوع یوئه هستند.

جدول ۱. گونه‌های سفال شناسایی شده در قلعه‌اردشیر

ردیف	گونه سفال	گاه‌نگاری	منبع مقایسه
۱	بدون لعاب ساده	ساسانی ـ اسلامی	(Priestman, ۲۰۰۵: ۳۹۳, pl. ۱۵)
۲-۵	بدون لعاب منقوش (نقش کنده، افزوده، قالبی، فشاری، استامپی)	ساسانی تا سده‌های میانی اسلامی	(Bivar, 2000: 442؛ Morgan & Leatherby, 1987؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۸۹؛ Wilkinson, 1973: 356-357)
۶-۸	لعاب تک‌رنگ ساده	ساسانی ـ اسلامی	(Priestman, ۲۰۰۵: ۴۰۳, pl. ۹۵)
۹	لعاب تک‌رنگ با نقوش افزوده، کنده، قالبی، خراشیده یا شانه‌ای	سده دوم تا پنجم ه.ق.	(Watson, 2004: 306؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ۲۷۵)
۱۰	لعاب‌دار سبز با نقوش افزوده (سفال‌های تجاری)	ساسانی ـ اسلامی	(اسمعیلی جلودار و مرتضایی، ۱۳۹۱: ۲۶)
۱۱-۱۳	گلابه‌ای	سده سوم تا پنجم ه.ق.	(Priestman, 2013: 599-600؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵؛ Wilkinson, 1973: 110, 120)
۱۴-۱۵	عسلی‌فام	سده چهارم تا ششم ه.ق.	(چوبک، ۱۳۹۱؛ Priestman, 2013: 697؛ Kennet, 2004: 6)
۱۶	گونه ساری یا رنگارنگ	سده سوم تا پنجم ه.ق.	(توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۶۳؛ براری و یزدان پناه، ۱۳۹۶: ۹۶)
۱۷	لعاب پاشیده	سده چهارم تا هفتم ه.ق.	(Priestman, 2013: 572; Treptov. 2007: 34)
۱۸	اسگرافیتو	سده چهارم تا هفتم ه.ق.	(Wilkinson, 1973: xiv, 67; Priestman, 2013: 74, 591, 698; Kennet, 2004: 46, 175)
۱۹	زرین‌فام	سده ششم و هفتم ه.ق.	(Watson, 1985؛ روح‌فر، ۱۳۸۸)
۲۰	لاجوردینه	سده هشتم و نهم ه.ق.	(توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۸۱-۲۸۲)
۲۱-۲۳	نقاشی چندرنگ زیر لعاب	سده هفتم تا نهم ه.ق.	(Bivar, 2000: 417-420; Treptow, 2007: 38; Kennet, 2004: 58, 142; Priestman, 2013: 624, 702)
۲۴	فیروزه‌ای قلم مشکی	سده هفتم تا نهم ه.ق.	(Priestman, 2005: 408؛ عطایی، ۱۳۸۹: ۱۰۵)
۲۵	سلطان‌آبادی	سده هفتم و هشتم ه.ق.	(Morgan, 1995: 19; Fehervari, 2000: 223)
۲۶	سلادن نوع یوئه	سده سوم تا پنجم ه.ق.	(امامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵)

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

قلعه‌اردشیر در متون تاریخی

قلعه‌های کرمان در کتب تاریخی با نام‌های مختلفی ازجمله: قلعه‌شهر، قلعه‌کهن، قلعه‌کوه، قلعه‌نو توصیف شده‌اند و به‌طور قطع مشخص نیست که این نام‌ها متعلق به کدام یک از قلعه‌های کرمان هستند و کدام نام با قلعه‌اردشیر ارتباط داشته است. چراکه نام "قلعه‌اردشیر" نخستین‌بار در کتابی از اواخر عصر صفوی "تذکره صفویه کرمان" به کار رفته و در منابع پیش از آن، نامی از قلعه‌اردشیر نیامده است. "مشیزی" در کتاب یادشده آورده: «در سال ۱۱۰۰ قمری جمال چاخوئی را با کلنگ و آلات حفاری دیده و دستگیر کردند. او اقرار نمود که در خرابه‌های شاه اردشیری دفینه یافته است. بعد از آن سه روز تمام در آن خرابه‌ها به دنبال گنج بودند و دیوارهای عظیم

تصویر ۱۱. نمونه سفال‌های شناسایی‌شده در قلعه‌اردشیر (نگارنده اول، ۱۴۰۱)

تصویر ۱۲. جایابی قلعه‌های تاریخی کرمان: قلعه‌اردشیر (پایین) و قلعه‌دختر (بالا) (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۳۵)

را با خاک یکسان کردند اما از گنج خبری نبود و فهمیدند خبر دروغ بوده است» (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۷۱). به‌طور کلی، به نظر می‌رسد در ادوار قبل از صفوی، قلعه‌اردشیر به یکی از نام‌های قلعه‌شهر، قلعه‌کهن یا قلعه‌کوه خوانده می‌شده و در تحلیل متون تاریخیِ این ادوار، باید ارتباطِ هریک از این واژگان را با قلعه‌اردشیر با توجه به قراین دیگر تشخیص داد.

"منشی‌کرمانی" در سده هشتم ه.ق. بیان داشته که اردشیر پس از تصرف کرمان، در آن گنبد گنج و قلعه شهر را ساخته و مردم را به نگهداری از قلعه سفارش کرده است (منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۳). اما روشن نیست آیا منظور او از قلعه‌شهر، قلعه‌اردشیر بوده یا حصار شهر کرمان. او در جای دیگری، قلعه‌کوه را با احتمال، از بناهای بوعلی محمد بن الیاس دانسته است: «ابوعلی محمد بن الیاس که از عیارپیشگان خراسان بود را به حکومت کرمان فرستادند و مدت سی‌وهفت سال در کرمان حکومت کرد. باغ سیرجانی و دیه بعلیاباد و سرای اندرون شهر از بناهای اوست، و از این که بر سقف گنبدی که در قلعه کوه نوشته دیده‌اند استدلال می‌کنند که آن قلعه هم از ساخته‌های او شاید باشد» (همان: ۱۵). منشی‌کرمانی در این روایت ابتدا بناهای درون شهر را توصیف نموده و سپس به قلعه‌کوه در خارج از شهر اشاره داشته است.

"حافظ‌ابرو" در روایتی مشابه مربوط به اواخر سده هشتم تا اوایل سده نهم ه.ق.، توصیفاتی را از قلعه‌کوه ارائه داده که با توصیفات قلعه‌اردشیر هم‌خوانی بیشتری دارد. او در بخشی از کتابش به ساخت قلعه‌اردشیر به دست ابوعلی ابن الیاس اشاره کرده (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۲۱)، و آن را قلعه‌کوه خوانده است. اما در جای دیگری از کتاب خود، ساخت قلعه را به دستور اردشیر ساسانی تأیید نموده و از آن با عنوان قلعه‌شهر یاد کرده است[1] (همان: ۱۳). بنابراین می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که تأیید ساخت قلعه به دستور اردشیر ساسانی در کتاب حافظ‌ابرو احتمالاً به معنای پایه‌گذاری و ساخت بنای اولیه قلعه در عصر اردشیر و بازسازی آن در زمان ابوعلی است. وی چنین آورده: «دارالملک کرمان، بردسیر است و دو بارو دارد که باروی اصلی خراب است و بارویی که آخر ساخته‌اند (و هست و قلعه‌ای دارد بر شرقی شهر متصل به کوه و باروی دوم که ساخته‌اند) به قلعه متصل گردانیده‌اند. چنان‌که از یک طرف قلعه در اندرون شهر است» (همان: ۱۶).

در خلاصه‌ای از "بدایع‌الازمان" که "افضل‌الدین کرمانی" در سده ششم ه.ق. نوشته، در باب تجدید عمارت کرمان، روایتی مشابه با روایت منشی‌کرمانی آمده و اشاره می‌نماید که در تاریخ ۳۱۰ ه.ق. از طرف دولت سامانیان «ابوعلی محمد بن الیاس را که از عیارپیشگان خراسان بود به کرمان فرستادند. وی سی‌وهشت سال بر کرمان حکومت کرد و باغ سیرگانی و بالیاباد و سرای اندرون شهر را بنا کرد و خندق و قلعه‌کوه و قلعه‌نو و بعضی از قلعه‌کهن از بناهای اوست که در آن گنبد گبران است از عمارت‌های قدیم» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۳۱: ۵۴).

همچنین، افضل‌الدین کرمانی در کتاب دیگرش "عقدالعلی" در سده ششم ه.ق. چنین نوشته است: «ابوعلی محمد بن الیاس که نام او بر دروازه خبیص نبشته عمارت بارو کرده است و خندق و قلعه‌کوه و قلعه‌نو و بعضی از قلعه‌کهن از بناء اوست و گویند از قلعه‌کهن گنبدی که او را گنبد گبر خوانند از عمارت‌های قدیم است و نام بانی آن ندانند و گویند آن‌کس که آن گنبد کرد گفت: بنیت قصرا بین جنتین؛ یعنی کوشکی میان دو بهشت بنا کردم چه از یک جانب ریاض و حدایق دیه آصف و شاهیجانست و از جانب دیگر بساتین و مزارع دیه زریسف و فرمتین و شنیدم که این دو بیت بر در قلعه‌کوه نبشته‌اند و من طلب کردم و ندیدم. شعر:

بناک ابن الیاس و حلک غیره
کذا الدهر یمضی تاره و یعود
بناک الذی لو قبل انت مخلد
ابی و ادعی بعد الخلود خلود»

(افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴).

با توجه به این‌که وی قلعه را در نزدیکی دیه زریسف و فرمتین دانسته، و امروزه نیز قلعه‌اردشیر در نزدیکی فرمتین و زریسف قرار دارد، به نظر می‌رسد قلعه‌اردشیر با قلعه‌کوه در نوشته افضل‌الدین مطابقت دارد.

در زمان سلجوقیان بارها به قلعه‌کوه و قلعه‌کهن اشاره شده است. ملک‌ارسلان و طرمطی با لشکری به کرمان آمدند و چون ملک‌ارسلان دید آذوقه قلعه کم و حصار محکم است شهر را ترک کرد (خبیصی، ۱۳۷۳: ۶۹). حصار قلعه‌اردشیر نسبت به دیگر قلعه‌های کرمان بسیار مستحکم‌تر و غیرقابل نفوذتر است.

"محمدابراهیم خبیصی" در کتاب "سلجوقیان و غز" به طبلی بالای قلعه‌کوه هنگام حمله غزها اشاره کرده است. این طبل را هنگام حمله دشمنان می‌نواختند (همان: ۱۷۷). قلعه‌اردشیر به علت ارتفاع و اشراف بر محیط اطراف، مکان مناسب‌تری نسبت به دیگر قلعه‌ها برای قرار دادن طبل بوده است.

در کتاب "مواهب الهی" نوشتهٔ "معین‌الدین یزدی" در سده هشتم ه.ق.، در توصیف شهر کرمان، قلعه‌کوه این‌گونه وصف شده است: «و در یک طرفش قلعه‌کوه، که اندیشه بلندهمتان بحضیض آن نمی‌رسید و وهم دوربینان از ادراک پایه آن قاصر می‌ماند. فرود باره رفیعش مخیم عمام جهان‌نما و دامن سور

منبعش ملتمع برق آتش‌بای» (یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱۶). قلعه‌اردشیر با توجه به ارتفاع زیاد و تسلط بر منطقه و غیرقابل نفوذ بودن، با توصیفات یزدی دربارهٔ قلعه کوه مطابقت دارد. در حالی‌که قلعه دختر در نزدیکی آن، بر صخره‌ای کم‌ارتفاع ساخته شده و رفعت و بلندی آن، با عبارات و توصیفات معین‌الدین یزدی هم‌خوانی ندارد. این موضوع، در کنار روایت‌ها و شواهد دیگری که در ادامه خواهد آمد، احتمال هم‌سان بودن قلعه‌کوه را با قلعه‌اردشیر بیش از سایر قلاع پیش می‌کشد.

در دوره آل مظفر، پهلوان اسد از طرف شاه شجاع به‌عنوان حاکم کرمان انتخاب شد. او به استحکام قلاع و باروی شهر پرداخت (کتبی، ۱۳۶۴: ۹۹). پهلوان اسد با لشکریانش در قلعه‌کوه مستقر شده بود و از طرف پهلوان علیشاه مزینانی که شهر کرمان در تصرف او بود در سختی و تنگنا قرار گرفته بود. عاقبت، این دو پهلوان صلح کردند و پهلوان اسد قلعه را به پهلوان علیشاه سپرد. در قدیم راهی از قلعه‌شهر به قصر بود و خروج آن از پشت حمام قصر بود) (همان: ۱۰۲). سال ۷۷۶ ه.ق. همسر پهلوان اسد با هم‌دستی عده‌ای در اندیشه قتل او برآمدند. قرار بر آن گرفت که از قلعه، دالانی به برج کرد بزنند. بعد از اتمام تونل صد نفر مسلح وارد قلعه شدند و اسد را کشتند. پسر اسد نیز به قلعه‌کوه پناه برد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۱۶۹). پس از آن، امیر حسام‌الدین نگهبان قلعه‌کوه، قلعه را به پهلوان علیشاه تسلیم کرد. شاه شجاع نیز طلب دفتر ذخیرهٔ قلعه را کرد (همان: ۱۷۱). وزیری نیز این واقعه را این‌گونه شرح داده است: «پهلوان اسد با لشکریانش در قلعه‌کوه مستقر شده بود و از طرف پهلوان علیشاه مزینانی که شهر کرمان در تصرف او بود در سختی و تنگنا قرار گرفته بود. همسرش رقعه خاتون با همدستی عده‌ای در اندیشه قتل پهلوان اسد برآمدند و او را در حمام قلعه به قتل رساندند. در قلعهٔ بالای کوه حمام نبود و حمام آن در پایین بالای تل خاکی جنب کوه واقع شده، آن قلعه را کوشک سبز می‌نامیدند و از زمان اردشیر بابکان نقبی از قلعه بالا به قلعه پایین بود که از آن تردد می‌نمودند» (وزیری، ۱۳۹۶: ۵۳۵-۵۳۴). بر پایه متن وزیری دربارهٔ حمام قلعه و با توجه به ارتفاع قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر، می‌توان قلعه‌اردشیر را همان قلعه‌کوه دانست. زیرا ارتفاع قلعه‌اردشیر از سطح زمین‌های اطراف ۱۲۶ متر و ارتفاع قلعه‌دختر ۵۶ متر است و بالا بردن آب برای استحمام در قلعه‌اردشیر به مراتب سخت‌تر از بالا بردن آب تا قلعه‌دختر است.

یافته‌ها و بحث

در ابتدای دوره ساسانی، ساختار خاص سیاسی ـ اجتماعی مبتنی بر اصالت و تقدس حاکم، سازمان فضایی دو قطبی را در شهرها پدید آورده که قطب قوی آن ارگ حکومتی و قطب ضعیف آن نواحی سکونتی اشراف و طبقات برگزیده بود. این دو قطب، وحدت و کلیت شهر را به وجود می‌آورد که تفوق آن در کالبد شهر نیز نمایان است. بر این اساس می‌توان گفت سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره تاریخی مرکب از مناطقی جداگانه است که با رعایت اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر دیده می‌شود. منظر شهریِ برآمده از این سازمان حاکی از مقام و مرتبه اجتماعی شهروندان و سلسله مراتب جایگاه آن‌ها در ساختار ذهنی جامعه آن عصر است. سازمان شهر به هرمی می‌ماند که عناصر تشکیل‌دهنده آن برحسب مرتبه و مقام به نحوی چیده شده که شهروندان، شرط اصلی در سازمان فضایی شهر بوده است. این جدایی مبتنی بر ضرورتی بیش از رعایت اصول امنیتی و حفاظتی در برابر ساکنان شهر یا مهاجمان بیرونی بوده است (سرفراز و تیموری، ۱۳۹۲: ۱۶).

به نظر می‌رسد سازمان فضایی شهر کرمان نیز در دوره ساسانیان از این الگوی دوقطبی پیروی می‌کرده است. به باور باستانی‌پاریزی، دو قلعه‌ای که افضل‌الدین کرمانی در کتاب عقدالعلی للموقف الاعلی توصیف نموده، قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر هستند. قلعه‌دختر کهن‌ترین ارگ شهر بوده و علاوه‌بر جنبه دفاعی، جنبه مذهبی نیز داشته و پرستش آناهیتا، خدای آب و باران و زایش، در آن انجام می‌شده است. اما قلعه‌اردشیر بر تپهٔ سنگی بلندتری در شرق قلعه‌دختر ساخته شده و شاید مقصود از این کار (ساختن دو قلعه جداگانه) جداکردن سپاهیان از مرکز مذهبی قلعه‌دختر و درواقع حفظ حرمت آن بوده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۶). این روایات از شکل‌گیری هسته شهر کرمان به‌عنوان قلعه‌ای محصور حکایت می‌کند. به اعتقاد منصوری، شهر کرمان در این روند، زیست‌گاهی دستوری با مرکزیت قلعه‌دختر به‌عنوان قلعه‌ای مقدس است که بعد از آن، قلعه‌اردشیر شکل گرفته است (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۵ ـ ۵۴). به عبارت دیگر، در پی توسعه شهر در عصر ساسانی، عرصه شهر در محدوده‌ای جدید گسترده و قلعه‌اردشیر بر بلندی مجاور قلعه‌دختر ساخته شده است. با گسترش حصار و خندق دور آن، پهنه شهروندان (ساکنان قلعه و طبقات ممتاز) از رعایا جدا شده و شهر کرمان همچنان دو قطبی باقی‌مانده است. دو قلعه بر بلندای دو کوه در مجاورت یکدیگر که با خندقی عمیق از محل زندگی مردم جدا شده، نه‌تنها بیان‌کننده وجود قدرت متراکم حاکمیت شهر است، بلکه حاکی از جایگاه معنوی ساکنان و متولیان آن‌هاست (همان: ۵۵). نکته مهم این‌که منصوری گاه‌نگاری قلعه‌دختر را مقدم بر گاه‌نگاری قلعه‌اردشیر دانسته است، در حالی که

درباره تقدم و تأخر گاه‌نگاری قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر قبل از کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی و گاه‌نگاری‌های مطلق در هر دو بنا، نمی‌توان قطعی سخن گفت. نیز، یافته‌های بررسی سطحی در قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در این دو قلعه، نشانگر هم‌زمانی احتمالی حیات این دو مجموعه است. صرف نظر از تقدم و تأخر زمانی قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر، مسأله اصلی و قابل توجه، روایت‌های متون تاریخی درباره رویدادهای سیاسی و اجتماعی در قلعه‌اردشیر است. زیرا همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، روایت‌های قابل توجهی درباره قلعه‌اردشیر در منابع تاریخی بیان شده که نشانگر نقش و جایگاه آن در سازمان فضایی شهر کرمان به‌عنوان هسته یا یکی از هسته‌های شکل‌گیری شهر در دوران ساسانی و مرکز ثقل کارکردهای سیاسی و اجتماعی شهر در ادوار بعدی است. بنابراین، ارتباط کارکردی قلعه‌اردشیر با عناصر سازمان فضایی شهر کرمان بر پایه تحلیل محتوای منابع مکتوب تاریخی و نحوهٔ پیوند مکانی و ساختاری این قلعه با شهر مشهود است.

همچنین باستانی‌پاریزی و منصوری معتقدند که بعد از فتح کرمان به دست اعراب، قلاع ساسانی چه مذهبی و چه نظامی نقش خود را از دست می‌دهند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۶؛ منصوری، ۱۳۸۶: ۵۸). اما بر پایه منابع تاریخی، قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر همچنان دارای کارکردهای سیاسی و اجتماعیِ اصلی و فرعی بوده‌اند و نقش و جایگاه خود را به‌عنوان جایگاهی برای حکام، مأمنی برای شورشیان، مکانی برای نگهداری خزانه و محلی برای زندانیان سیاسی حفظ کرده بودند. قلعه‌اردشیر در دوران اسلامی، در ارتباط با شهر کرمان اهمیت داشت و با وجود آن‌که در اغلب مقاطع زمانی در دوران اسلامی خارج از بافت شهری بود، اما به‌واسطهٔ همین کارکردهای متنوع، بخشی از سازمان فضایی شهر محسوب می‌شد. برای نمونه در سده‌های میانی اسلامی، به‌ویژه در دوره آل‌مظفر که از ادوار درخشان تاریخ کرمان بود، قلعه‌اردشیر خارج از شهر بود، زیرا شهر و قلعه‌شهر در آن دوران در اختیار پهلوان علیشاه بوده است و قلعه‌کوه یا قلعه‌اردشیر در اختیار پهلوان اسد (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۷)، اما کارکردهای مهم و متعدد قلعه‌اردشیر، پیوستگی عمیق آن را با بافت و جامعه شهری نشان می‌دهد.

در منابع تاریخی، اشاره‌های بسیاری به یکی از کارکردهای اصلی قلعه‌اردشیر به‌عنوان "خزانه" شده است. چنین کارکردی برای بسیاری از قلاع ایران در دوران اسلامی مطرح شده است. برای نمونه افضل‌الدین کرمانی در کتاب عقدالعلی للموقف الاعلی چنین اشاره داشته که ابوعلی بن الیاس مال و منالی را که از راهزنی به دست می‌آورد در حصار و قلاعی که ساخته بود، نگهداری می‌کرد (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴). در کتابی از اواخر قرن پنجم هـ.ق. "الذخائر و التحف"، به ذخائر و گنجینه‌های نفیس محمد بن الیاس اشاره شده که در قلعه کرمان نگهداری می‌شده است (قاضی بن الزبیر، ۱۹۸۴: ۱۸۸-۱۸۷) و با توجه به امنیت بیشتر قلعه‌اردشیر در مقایسه با قلعه‌دختر و دسترسی دشوار آن، شاید منظور از قلعه کرمان همان قلعه‌اردشیر بوده است. در کتاب "جغرافیای حافظ‌ابرو" اشاره شده که خزینه و اموال مادر شاه شجاع در دوره آل مظفر در قلعه‌کوه بوده و پهلوان اسد طغیان کرده و توانسته است قلعه‌کوه را تصرف و میراثی را که در قلعه بود تصاحب کند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

همچنین اشاره به کارکرد مقطعی و موقت قلعه‌اردشیر به‌عنوان پناهگاه و محلی برای متحصنین و شورشیان در بسیاری از منابع تاریخی آمده است. در اواخر حکومت غُزها، نظام‌الدین محمود، از ملوک شبانکاره به کرمان آمد و به علت فساد و تباهی که در کرمان به راه افتاد اهالی کرمان قصد او را کردند و نظام‌الدین به قلعه متحصن شد. شورشیان تلاش کردند قلعه را آزاد سازند (خبیصی، ۱۳۷۳: ۱۸۷). غُزها دستور دادند از قلعه‌کهن به قلعه‌نو تونلی بزنند و خواستند در پایین قلعه نگهبانی بدهند تا اگر سپاهیان غُز نرسیده‌اند مانع ورود آن‌ها به قلعه شوند و اگر وارد قلعه‌کوه شده‌اند آن‌ها را به قلعه‌شهر بفرستند و مانع انتقال شبانکاره‌ها به قلعه‌کهن شدند. ملک عجمشاه در قلعه‌نو بر تخت نشست و امیر نظام‌الدین تسلیم شد (همان: ۱۹۰-۱۸۹؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۴۰). خبیصی در این ماجرا نام چهار قلعه: کهن، کوه، نو و شهر را ذکر کرده است. فاصلهٔ قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر حدود ۵۰۰ متر است و اگر قرار بر حفر تونلی بوده باشد، حفر تونل میان قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر محتمل‌تر است. همچنین در دوره خوارزمشاهیان، در جنگی که بین ملک شجاع‌الدین سپهسالار ملک زوزن حاکم کرمان و براق حاجب از ملازمان خوارزمشاهیان اتفاق افتاد، براق حاجب پیروز شد و شجاع‌الدین و اتباع او را در بند کرد و پسر شجاع‌الدین در قلعه‌شهر متحصن شد و بعد از شش ماه ولایات حومه و سردسیر و قلعه کوه و باغ سیرکانی را فتح کرد. شهر و قلعه اندرونی در تصرف پسر شجاع‌الدین ماند تا این‌که سلطان جلال‌الدین در راه بازگشت از هند به کرمان آمد و شجاع‌الدین کلید شهر و قلعه و خزاین را به سلطان جلال‌الدین تقدیم کرد. سپس جلال‌الدین در سال ۶۲۱ ه.ق. قلعه‌شهر را تخت‌گاه خود قرار داد و براق حاجب در قلعه کوه مستقر شد (منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۲۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۵۳-۵۲). باتوجه به گفته منشی‌کرمانی و

حافظ‌ابرو، قلعه‌کوه همان قلعه بیرونی شهر بوده است و براق حاجب به‌عنوان یک یاغی در برابر جلال‌الدین خوارزمشاه در آن مستقر شد. در سال ۶۹۴ ه.ق.، ایلچی شاهزاده بایدو و شاهزاده کردوجین شهر کرمان را محاصره کردند و پادشاه خاتون در قلعه متحصن شد. کردوجین قلعه را تصرف کرد و پادشاه خاتون را نیز به بند درآورد (منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۷۱؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۸۲). بنابراین بر پایهٔ این رویداد، قلعه در این دوره به‌عنوان پناهگاه و محل تحصن کارکرد داشته است. همچنین در ماجرای قتل اسد، پسر اسد نیز به قلعه‌کوه پناه برد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۱۶۹). این‌ها افرادی بودند که برای مصون ماندن از سوء قصد و تهاجمات، در قلعه پناه گرفتند.

همچنین یکی از کارکردهای موقت و فرعی قلعه‌اردشیر به‌عنوان مکانی برای نگهداری زندانیان سیاسی براساس متون تاریخی استنباط می‌شود. در ترجمه تاریخ یمینی، چنین کارکردی برای قلعه‌کرمان تشریح شده و روایتی از زندانی شدن یسع توسط پدرش ابوعلی بن الیاس در قلعه بیان شده است (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۰۹). اگرچه در این کتاب، به روشنی مشخص نیست که منظور از قلعه، کدام یک از قلاع شهر کرمان است، اما ناصرالدین منشی و حافظ‌ابرو در این روایت، نام قلعه‌کوه را آورده‌اند و بر این اساس، ارتباط آن با قلعه‌اردشیر بیشتر استنباط می‌شود. به گفته اینان، ابوعلی بن الیاس، پسرش یسع را در قلعه‌کوه محبوس کرد اما اهالی کرمان یا کنیزکان ابوعلی او را نجات دادند و ابوعلی بن الیاس را از کرمان اخراج کردند (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴؛ منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۵؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۲۱). به نظر می‌رسد قلعه‌اردشیر در عصر سلجوقیان نیز زندان بوده است. برای نمونه در شرح رویدادهای سال ۵۳۷ ه.ق. چنین آمده است که ارسلان شاه دچار بدبینی شده بود و تصمیم گرفت ملک محمد فرزندش را از سر راه بردارد. اما ملک محمد پیش‌دستی کرد و پدر را دستگیر کرد و به قلعه‌کوه فرستاد و خود بر تخت سلطنت نشست و ارسلان شاه سلجوقی تا سه سال پس از دستگیری به دست پسرش ملک محمد، در قلعه با حرم و کنیزکان محبوس بود تا این‌که درگذشت (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۳؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۲۸؛ خبیصی، ۱۳۷۳: ۲۸). ملک طغرل شاه نیز برادرش محمود شاه را در قلعه‌کوه حبس کرد (افضل‌الدین‌کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۰). در عصر قراختاییان، هنگام حکومت ترکان خاتون، مولانا شهاب‌الدین، از مدرسین مدرسه ترکانی را چندین سال در چاه قلعه زندانی کردند تا زمانی که مورد عفو قرار گرفت (منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۴۳). یزدی نگارنده تاریخ آل مظفر در شرح ماجرای استیلای امیرمبارزالدین محمد مظفر بر کرمان و نبرد او با ملک قطب‌الدین نیمروز و ملک داوود که در قلعه بودند، به قلعه به‌عنوان زندان و محبس اشاره کرده است (یزدی، ۱۳۲۶: ۱۳۲). در زمان شاه شجاع مظفری، پس از آن‌که دولتشاه با خیال تصرف کرمان، حاجی‌امیر آخور شبلی، والی کرمان و خواجه هلال‌الله را مسموم کرد، سلطان شبلی را در قلعه‌کوه حبس نمود (کتبی، ۱۳۶۴: ۸۹-۸۸). همچنین وقتی خبر بر تخت نشستن غازان‌خان به کرمان رسید، پادشاه خاتون، امرای کردوجین و ایلچی‌های بایدو، نصرت ملک و سراغای و نواب بایدو ابراهیم سکورچی و یوسف بوکا و آینه غازی را گرفتند و در قلعه زندانی کردند (منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۷۸).

بنابر جایگاه قلعه‌اردشیر به‌عنوان ساختاری نظامی و دفاعی در کنار سایر قلاع کرمان در تأمین امنیت شهر کرمان، در برخی دوره‌ها، محل سکونت حکام نیز بوده است (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴). بر این اساس، مجموعه قلعه‌اردشیر یکی از قدیم‌ترین هسته‌های سکونت در کرمان، به علت کارکردهای متفاوت یا چندگانه در ادوار مختلف به‌ویژه دوران اسلامی، به‌عنوان بخشی از سازمان فضایی شهر کرمان، در تحولات سیاسی و اجتماعی این شهر نقش ویژه‌ای ایفا نموده و بر رشد و توسعه شهر در دوره‌های مختلف تأثیر قابل توجهی داشته است.

نتیجه‌گیری

بر پایهٔ شواهد باستان‌شناسی ازجمله قطعات سفال حاصل از بررسی‌های میدانی در قلعه‌اردشیر، این بنا قبل از دوران اسلامی و در عصر ساسانی پایه‌گذاری شده است. اما کهن‌ترین کاربردِ نام قلعه‌اردشیر در کتاب تذکره صفویه کرمان مربوط به اواخر عصر صفوی است و پیش از آن، این قلعه با نام‌های دیگری خوانده می‌شد. بر پایه تحلیل محتوای منابع مکتوب به نظر می‌رسد نام "قلعه‌کوه" بیش از سایر نام‌ها با قلعه‌اردشیر هم‌خوانی دارد.[۲] احتمالاً تغییر نام این قلعه در سده‌های اخیر و کاربرد نام قلعه‌اردشیر، با متروکه شدن آن در دوره‌های اخیر بی‌ارتباط نیست. با توجه به موقعیت قلعه‌اردشیر، فرم معماری آن، مطالعه ساختار و مواد فرهنگی یافت‌شده از آن و بررسی منابع

مکتوب مشخص شد که شرایط سیاسی و اجتماعی کرمان در دوران تاریخی سبب شده قلعه‌اردشیر با کاربری نظامی برای تأمین امنیت منطقه و جایگاه حکمران ایجاد شود. سازمان فضایی شهر در دوران ساسانی براساس سلسه‌مراتب اجتماعی حاکم در آن دوره بود و حکام و مردم عادی جایگاه متأثر از نظام اجتماعی خود را داشتند. بر همین اساس نحوه سکونت آن‌ها متفاوت بود و حکام در قلعه‌ها و مردم عادی در پیرامون قلعه سکونت داشتند. آنچه از بازسازی‌های قلعه، منابع مکتوب و نمونه‌های سفال شاخص حاصل از بررسی و گمانه‌زنی در قلعه‌اردشیر استنباط می‌شود، این قلعه در اواخر دوره آل‌مظفر از رونق افتاده و در عصر تیموری سکونتی کم‌شمار داشته است. قلعه‌اردشیر در تحولات و وقایع سیاسی و اجتماعی منطقه در صدر اسلام و سده‌های میانی اسلامی نقش داشته است و با توجه به منابع نوشتاری برجای‌مانده، در کنار نقش نظامی، کارکردهای دیگری همچون جایگاهی برای حکام، مأمنی برای شورشیان، مکانی برای نگهداری خزانه و محلی برای زندانیان سیاسی داشته است. همچنین، مطالعه شواهد معماری و منابع نوشتاری نشان می‌دهد که قلعه‌اردشیر از نظر کالبدی و فیزیکی، بیرون از بافت تاریخی شهر کرمان و در حاشیهٔ شرقی این شهر بود، اما از نظر کارکردی، بخشی از سازمان فضایی شهر محسوب می‌شده است. به بیان دیگر، اگرچه مجموعه قلعه‌اردشیر خارج از بافت قدیم کرمان واقع شده بود، اما با توجه به کارکردهای آن در ادوار مختلف، عنصری تأثیرگذار و وابسته به سازمان فضایی شهر بود.

سپاس‌گزاری

نگارندگان از دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار به‌منظور مشاوره‌های ایشان سپاسگزار هستند.

پی‌نوشت

۱. چون نوبت سلطنت به اردشیر بابکان رسید از تخت‌گاه فارس بر سبیل نخجیر کردن به ناحیت شهر بابک که هم معمار همت شاهانه‌اش انشاء و احداث فرموده بوده آمد و به زمین‌هایی که اکنون به شاه‌جهان و گازرگاه معروف است و از آبی عظیم که منبع کوه سوسکان از قدیم‌الزمان منصب می‌شد، مرغزار گشته بود و اسب گله خسروان را تابستان مراتع و علف‌زار آن‌جا بودی رسید. آن موضع او را خوش آمد. در حومه آن نشاط شکار فرمود و آن موضع را نخجیران نام نهاد و مدت یک‌سال در آن نواحی خیمه اقامت زد و به ارجا و انحای ممالک احکام مشتمل بر انفاد کشاورزان و پیشه‌وران به طرف بردسیر صادر گردانید و گنبد گچ و قلعه شهر بنا فرمود و مردم را بر عمارت رباع و اشادت قلاع و تحفیر انهار و تثمیر اشجار تحریص کرد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵: ۱۲).

۲. در مقاله دیگری از نگارندگان "مطالعه تاریخی و باستان‌شناختی قلعه‌دختر شهر کرمان؛ روند ساخت و بازسازی‌ها، تاریخ‌گذاری و کاربری معماری"، قلعه‌کوه نام دیگر قلعه‌دختر پنداشته شده بود. اما نگارندگان ضمن بازنگری فرضیهٔ قبلی و بر پایهٔ مطالعات جدید در این پژوهش، قلعه‌کوه را همان قلعه‌اردشیر و قلعه‌کهن را همان قلعه‌دختر در مجاورت قلعه‌اردشیر دانسته‌اند. اگرچه فرضیه دیگری نیز مطرح است که بر مبنای آن، هر دو بنای قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر، یک مجموعه را تشکیل می‌داده‌اند و مقصود مورخان از "قلعه‌کوه" هر دو قلعه بوده است.

فهرست منابع

- استوار، محمدجواد (۱۳۷۳). *"نقش شهر میانی در توسعه فضایی منطقه با نگرش بر شهر یزد"*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. دانشکده معماری و شهرسازی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل؛ مرتضایی، محمد (۱۳۹۱). بازشناسی جایگاه بندر باستانی مهروبان در خلیج فارس و گاهنگاری اولیه آن بر پایه کاوش باستان‌شناختی و مطالعات متون نوشتاری. *مطالعات باستان‌شناسی*. سال دوم (۴)، ۳۱-۱۳.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد (۱۳۲۶). **تاریخ افضل یا بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان**. گردآوری مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.

- _____ (۱۳۳۱). **المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان**. تصحیح عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.
- _____ (۲۵۳۶). **عقدالعلی للموقف الاعلی**. تصحیح علی‌محمد عامری نائینی، تهران: روزبهان.
- امامی، سید محمدامین؛ خنجری، رضا؛ نقوی، سوگند (۱۳۹۸). ساختارشناسی و مینرالوژی سفال سلادن به‌دست‌آمده از بندر تاریخی حریره در جزیره کیش؛ ردپایی بر تجارت دریایی از چین تا خلیج فارس. *مطالعات باستان‌شناسی*. سال اول (۱۱)، ۱۷-۱.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). **کرمان در شهرهای ایران**. به‌کوشش یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- براری، میثم؛ یزدان‌پناه، حسن (۱۳۹۶). پژوهشی بر سفال ساری (روستایی) با تأکید بر معرفی ویژگی‌های تکنیکی، ظاهری و رنگ. *باستان‌شناسی ایران*. سال هفتم، (۱۲)، ۱۰۶-۹۶.
- پوراحمد، احمد (۱۳۷۰). **جغرافیا و ساخت شهر کرمان**. تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- توحیدی، فائق (۱۳۹۲). **فن و هنر سفالگری**، تهران: سمت.
- چوبک، حمیده (۱۳۹۱). سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت. *مطالعات باستان‌شناسی*. سال چهارم (۱)، ۸۳-۱۱۲.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۵). **جغرافیای حافظ‌ابرو**. جلد سوم. تصحیح صادق سجادی، تهران: مکتوب.
- حجت، مهدی (۱۳۷۷). فضا. رواق. سال اول (۱)، ۲۷-۱۷.
- خالدیان، ستار؛ کریمیان، حسن؛ پوراحمد، احمد و مظاهریان، حامد (۱۳۹۵). ساخت و سازمان فضایی شهرهای ایران در گذار از دوره ساسانی به دوران اسلامی. *مطالعات باستان‌شناسی*. سال هشتم (۲)، ۵۲-۳۵.
- خبیصی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۷۳). **سلجوقیان و غز در کرمان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران: کوروش.
- دارک، کن‌آر (۱۳۷۹). **مبانی نظری باستان‌شناسی**. ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). **رابطه شهر و روستا**. تهران: ماکان.
- روح‌فر، زهره (۱۳۸۸). *«پژوهش در ساخت لعاب زرین‌فام در ایران با تأکید بر رساله ابوالقاسم عبدالله کاشانی سده‌های ۸-۷ هجری قمری»*. رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده علوم انسانی (منتشرنشده).
- ریاحیان، رضا (۱۳۹۸ الف). «گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تدقیق و بازنگری عرصه و حریم قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر شهر کرمان». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان (گزارش منتشرنشده).
- _____ (۱۳۹۸ ب). نویافته‌های باستان‌شناسی قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر شهر کرمان. *چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران*. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ دینی، اعظم (۱۳۹۳). بررسی و مطالعهٔ سفال‌های دورهٔ ایلخانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود، *مطالعات باستان‌شناسی*. سال ششم (۲)، ۹۰-۷۳.
- زنگی‌آبادی، علی (۱۳۷۰). **جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری کرمان**. کرمان: کرمان شناسی.
- سرفراز، علی‌اکبر و تیموری، محمود (۱۳۹۲). بازشناسی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی. *هنر و تمدن شرق*. دوره اول (۱)، ۱۶-۹.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰). **تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا سال ۱۳۵۵ هـ ش**. تهران: چهارطاق.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۷۴). **تاریخ یمینی**. ترجمه و تصحیح ابوالشرف ناصح منشی‌جردقانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- عطایی، مرتضی؛ موسوی‌حاجی، سیدرسول (۱۳۸۹). **مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان**. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- قاضی بن الزبیر (۱۹۸۴). **الذخائر و التحف**. تصحیح محمد حمیدالله. جلد اول. کویت: مطبعه حکومه.
- کتبی، محمود (۱۳۶۴). **تاریخ آل مظفر**. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

- کریمیان، حسن (۱۳۸۴). ضرورت بهره‌گیری از تئوری‌های جدید در تحلیل ساختار فضایی بافت‌های کهن. *مطالعات باستان‌شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)*. ۵۶ (۱۷۲)، ۱۲۱-۱۱۱.
- _____ و احمدی، عباسعلی (۱۳۹۴). باستان‌شناسی فضایی؛ رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری، فضاهای شهری و بافت‌های کهن. مطالعات باستان‌شناسی. سال هفتم (۲)، ۱۱۶-۱۰۳.
- کلایس، ولفرام؛ کالمایر، پیتر (۱۳۸۵). **بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳**. ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- کمانداری، محسن (۱۴۰۰). بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از زمان ساسانیان تا قاجاریه. *جغرافیا و روابط انسانی*. سال چهارم، (۲)، ۱۴۲-۱۲۱.
- محمدزاده، شبنم؛ منصوری، سیدامیر (۱۳۹۷). ارتباط مجموعه مظفریه با سازمان فضایی شهر تبریز از دوره قراقویونلوها تا دوره قاجار. *باغ نظر*. سال پانزدهم، (۶۸)، ۲۴-۱۵.
- محمدی، بلال (۱۳۹۱). «*تحلیل سازمان فضایی نظام سکونت‌گاه‌های شهرستان جوانرود*». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. سیستان و بلوچستان: دانشگاه زابل.
- مشیزی، میرمحمدسعید (۱۳۶۹). **تذکره صفویه کرمان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران: نشر علم.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۲۸). **سمط العلی للحضره العلیا**. تصحیح عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- مظاهری، مجتبی؛ دژدار، امید و موسوی، سیدجلیل (۱۳۹۷). تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره‌گیری از روش نحو فضا (Space Syntax). *هویت شهر*. سال دوازدهم (۳۴)، ۱۰۸-۹۷.
- منصوری، سیدامیر (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. *باغ نظر*. سال چهارم، (۷)، ۶۰-۴۹.
- وزیری، احمدعلی خان (۱۳۹۶). **تاریخ کرمان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی‌پاریزی. تهران: نشر علم.
- _____ (۱۳۷۶). **جغرافیای کرمان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یزدی، معین‌الدین (۱۳۲۶). **مواهب الهی در تاریخ آل‌مظفر**. تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- یوسفی‌فر، شهرام؛ محمدی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). تاثیر مناسبات اجتماعی در شکل‌بندی کالبدی شهر ایرانی ـ اسلامی براساس رویکرد نمونه‌وار به شهر ری در عصر سلجوقی. *انجمن ایرانی تاریخ*. سال اول، (۱)، ۱۶۷-۱۴۴.

- Bivar, H., (2000). *Excavations at Ghubayra Iran*, London: School of Oriental & African studies University of London.
- Fehervari, G., (2000). *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, London: I.B. Tauris publisher.
- Kennet, D., (2004). *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (eBook wersion)*, Oxford, Archaeopress.
- Minaei, N., & Tajjali, M. H. (2009). Study of Urban Spaces: Problems in the City of Kerman, Iran. *Interdisciplinary Themes Journal,* 1(1), 144-167.
- Morgan, P., (1995). "Some Far Eastern Elements in Colored – Ground Sultanabad Wares", *Islamic art in the Ashmolean Museum*, Part two, Berlin, Oxford university press, pp 19-44.
- _____., and Leatherby, J., (1987). "Excavated Ceramics from Sirjan", *Syria and Iran, Tree Studies in Medieval Ceramics*, Edited by James Allan and Caroline Roberts, Oxford Studies in Islamic Art IV, University of Oxford, pp 23-172.
- Priestman, S. M. N. (2013). "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean", PhD Thesis, University of Southampton.

- _____ (2005). “Settlement and Ceramics in Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection”, M.A Thesis, Department of Archaeology, Durham University.
- Shahack-Gross, R.; Marshall, F.; Ryan, K. & Wiener, S. (2004). Reconstruction of spatial organization in abandoned Maasai settlements: implications for site structure in the Pastoral Neolithic of East Africa. Journal of Archaeological Science, (31), 1395- 1411.
- Treptow, T., (2007). Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy, Chicago, the oriental institute museum of the University of Chicago.
- Watson, O., (2004). Ceramics from Islamic Lands, Thames & Hudson press.
- _____ (1985). Persian Lustre Ware. London-Boston: Faber and Faber.
- Wilkinson, C. K., (1973). Nishapur Pottery of the Early Islamic Period, the Metropolitan museum of art.

Received: 2022/02/27
Accepted: 2022/07/26

The Role of Qal'eh Ardeshir on the Spatial Organization of Kerman based on Architectural Evidence and Historical Sources

Abstract

Qal'eh Ardeshir is one of the most outstanding surviving buildings in the east of Kerman and it seems that its formation, expansion and depopulation have been linked to the development and security of the city and Kerman region. Whereas, about chronology and its role in relation to the Kerman spatial organization, various and sometimes contradictory hypotheses and opinions have been raised so far. The purpose of this study is to explain the role of Qal'eh Ardeshir and to investigate the position of Qal'eh Ardeshir in the Kerman's spatial organization in different periods, especially the Islamic era. The research is historical-analytical in terms of essence as well as content, and information has been collected through field research and documentary research methods. Accordingly, by combining the data obtained from field research and content analysis of historical sources, attempting to explain the quality and impact of Qal'eh Ardeshir on the physical structure of Kerman. The study of the architectural structure, cultural materials and historical sources shows that this castle was designed and built according to the political and military status of historical and Islamic periods and has been used almost continuously from the historical period to the eighth century AH which have also played a role in political changes and social events in the region. Based on the content analysis of the historical texts and the narration of written sources about the events related to Qal'eh Ardeshir, it seems that Qal'eh Ardeshir, in addition to its military role, had other roles such as a place for rulers, a refuge for rebels, a treasury and a place for political prisoners. Although this castle was physically located outside of the historical context of Kerman and on the eastern outskirts of the city, but functionally, it has been an influential element and affiliated with the Kerman's spatial organization.

Keywords: Qal'eh Ardeshir, Kerman archeology, Islamic architecture, Islamic castles, Spatial organization

sahartahmasbizade@gmail.com
Mohammadi7586@gmail.com
s.amirhajloo@modares.ac.ir